

تشابهات بین موافقتنامه ژنو با

قرارداد امنیتی آمریکا و افغانستان

(قسمت آخر)

امیرفیض- حقوقدان

قسمت دوم تحریر (تشابهات بین موافقتنامه ژنو و قرارداد امنیتی آمریکا و افغانستان) که در تاریخ ۱۱/۰۱/۲۰۱۴ تقدیم گردید ناتمام ماند و موضوعات مقدم دیگری مانع ادامه و پایان یافتن آن تحریر گردید اکنون فرصتی است که به آن تحریر پایان داده شود.^۱

در فاصله بین قسمت دوم تحریر و امروز اتفاقی رویداده که میتواند در کنار مدارک تحریر حاضر سهمی داشته باشد و آن بیانیه منتسب به بنیاد عبدالرحمن برومند است که جاوید ایران متن آنرا منتشر ساخته و شاهدهی است بر اصالت بخشی از قسمت دوم این تحریر.

بیانیه بنیاد عبدالرحمن برومند که بدرستی مورد اعتراض جاوید ایران قرار گرفته، متهم است به جانبداری از تجزیه طلبان ساکنان عرب زبان خوزستانی.

در قسمت دوم تحریر مشابهات بین موافقت نامه ژنو و قرارداد امنیتی آمریکا و افغان به اظهارات آقای امامی مدیرکل اطلاعات خوزستان استناد شد که در تاریخ سی ام آبانماه سال جاری نوشت:

> ۳۵ گروه تجزیه طلب در خوزستان فعالند که از سوی آمریکا و اروپا و کشورهای منطقه سازمان دهی شده اند و حدود ۶۰۰ سرکرده دارند و حجم فعالیت آنان در این اواخر در خوزستان زیاد شده است <

بنیاد عبدالرحمن برومند یکی از همان ۳۵ گروهی است که زیر نظر آمریکا برای جداسازی خوزستان از ایران فعال است.

عبدالرحمن برومند با اسم رمز اس - دی - استی از سال ۱۳۳۲ در تماس با سفارت آمریکا بوده است و حتی اولین ارتباط بختیار با سفارت آمریکا بوسیله برومند ترتیب داده شده است (جلد ۳۸ اسناد سفارت آمریکا).

برومند بنا بر گفته خودش در اسناد سفارت آمریکا، قبل از نخست وزیری بختیار رابط بین خمینی و بختیار بوده است برومند از سال ۳۲ مشوق آمریکاییها برای براندازی سلطنت بوده است.

مشروح فصاحتهای عبدالرحمن برومند در سنگرها بنقل از کتابهای اسناد سفارت آمریکا آمده و اکنون همین قدر اشاره کافی است که به این برداشت برسیم که گرچه عبدالرحمن برومند از سوی جمهوری اسلامی ترورشده ولی بنیاد او سازمانی غیرانتفاعی مورد حمایت و ابزار اقدامات لازم مورد نظر آمریکاییها

میباشد. یقین است که هیچ ایرانی به چنین بنیاد هائی کمک مالی نمیکند و بودجه آنها فقط از جانب سازمان های وابسته به سازمان اطلاعات آمریکا تامین میگردد، تا به هنگام لازم ابزار کار شوند.

واما بعد

تشابه در موضوع موافقتنامه و قرارداد امنیتی افغان

وجه تمایز بسیار مشخصی که بین موافقتنامه ژنو با قرارداد امنیتی افغانستان وجود دارد این است که موضوع و هدف قرارداد امنیتی مشخص و معلوم است ولی در موافقتنامه ژنو محدود و معلوم نیست.

میتوان موافقت نامه ژنو را از باب محدود و مشخص نبودن هدف یک امر بسیار استثنائی دانست.

هدف قرارداد امنیتی افغانستان و آمریکا در چند محور مشخص محصور شده. تامین امنیت داخلی و خارجی افغان - آموزش نیروی نظامی افغان و کمکهای اقتصادی است که شرح آن در قسمتهای قبلی تحریرات داده شده است، ولی هدف نهائی از موافقتنامه ژنو محدود نشده و به ادراکات و خواستههای بعدی ۱+۵ منوط شده و با گذاردن عبارت >هیچ چیز مورد توافق قرار نگرفته تا اینکه درباره همه چیز توافق شود< هدف نهائی موافقت نامه ژنو، نامشخص و نامحدود و وابسته به ادراکات ۱+۵ گردیده است.

تشابه دیگر - راه مقاومت

کرزای پس از پذیرش موافقتنامه امنیتی آمریکا و افغانستان در سال گذشته درواشنگتن، اکنون که بصورت قرارداد برای امضای کرزای آماده شده و فشار سنگین آمریکا هم روی او است، کرزای به عوارض موافقتنامه واقف شده و راه مقاومت را پیش گرفته. ولی با آنکه موافقتنامه ژنو مورد نقد و اعتراض بسیاری قرار گرفته و بعضی از مقامات ایرانی از آن بنام عزا یاد کرده اند معهداً شیخ روحانی و ظریف همچنان به استقبال اجرائی آن مباحثات میکند.

میتوان گفت که افغانها به فساد آتی قرارداد امنیتی پی برده اند ولی مسنولین کشور نمیخواهند فساد سنگین موافقتنامه ژنو را درک کنند.

کرزای آشکارا علت مخالفت خود را با امضای قرارداد امنیتی اعلام و موارد آنرا تشریح کرده است ولی مسنولین جمهوری اسلامی حتی آنها که با موافقتنامه ژنو مخالفند جرات ذکر موارد مخالفت خود را ندارند، زیرا شخص سید علی خامنه ای همچنان در مقام تائید موافقتنامه و تجلیل از دست اندرکاران موافقتنامه که از آنها بنام بچه های وفادار به انقلاب یاد میکند، باقی است.

موارد مخالفت کرزای

یکی از مواردی که کرزای روی آن خیلی ایستادگی دارد عدم دخالت آمریکا در انتخابات آینده افغانستان است. در حالیکه مسئله انتخابات افغانستان در قرارداد امنیتی مطرح نیست، طرح موضوع از جانب کرزای آنها با تکرار مکرر از چه باب و ناظر بر چه شواهدی است؟

علت مسئله مزبور و حساسیت کرزای نسبت به مسئله انتخابات چندان معلوم نبود تا همین اواخر که کتاب آقای رابرت گیتس (Robert Michael Gates) وزیردفاع اوباما و جرج بوش انتشاریافت و در آن کتاب، آقای گیتس از نقش آمریکا بوسیله ریچارد هالبروک (Holbrooke Richard Charles Albert) نماینده اوباما و کارول سفیر آمریکا در افغانستان در انتخابات و جلوگیری از انتخاب مجدد کرزای سخن گفت و متعاقب انتشار برخی قسمت های کتاب گیتس بوسیله بی بی سی، آقای نجفی رئیس پیشین دبیرخانه کمیسیون انتخابات که اکنون وزیرترابری افغانستان است فاش ساخت که ریچارد هالبروک به اوزنگ زد و گفته است: «اگر نتیجه مقدماتی انتخابات (سال ۸۸) اعلام شود برای توخوب نیست و گورخودت رامیکنی».

نه تنها آقای نجفی آقای عزیرالله لودی هم که در آن زمان ریاست کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان را داشته گفته است: «خارجیان سعی داشتند که در انتخابات دخالت کرده و مانع انتخاب مجدد کرزای شوند»

حاشیه = انتخابات سال ۸۸ افغانستان که آمریکائی ها تلاش داشتند تا عبدالله را بریاست جمهوری افغان برسانند درست مقارن انتخابات سال ۸۸ جمهوری اسلامی بود که آمریکاسعی کرد که موسوی را به ریاست جمهوری ایران برساند که بارسوائی سنگینی روبرو شد.

در انتخابات ۹۲ آمریکا با موافقت و همکاری محرمانه با سیدعلی خامنه ای (۶ ماه ملاقات محرمانه جمهوری اسلامی و نمایندگان اوباما = واسطه اجرایی این طرح سید حسن موسویان بوده است) دخالت در انتخابات رابه کیفیتی سرانجام دادند که شیخ حسن روحانی که مامور آنها بود به ریاست جمهوری برسد تا آن موافقتنامه شوم رابه ملت ایران تحمیل کند. شیخ حسن گفته است: «من حقوقدان هستم سرهنگ نیستم» ایکاش او یک سرباز صفر بود که «هیچ احمقی این موافقتنامه ژنو را امضانمیکرد» = (علی لاریجانی) (پایان حاشیه).

علت نگرانی کرزای از دخالت آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری کشورش دو چیز است نخست انتخاب کسی که باکرزای مخالفت ریشه ای دارد دوم اینکه یکی از گماشتگان سرسخت نوکری آمریکا که عبدالله عبدالله است به ریاست جمهوری برسد که در آن صورت هم حساب شخصی خودش را باکرزای تسویه کند و هم کاری را که آمریکا از کرزای میخواست که افغانستان را در بستان تحویل آمریکا بدهد عبدالله عبدالله به انجام برساند.

معامله بریوج

این تحریر ناقص است اگر به اصلیت و وجود مورد معامله در قرارداد امنیتی افغان اشاره ای نداشته باشد.

همانطور که در بخشهای اول و دوم این تحریر آمده اس و اساس قرارداد امنیتی افغانستان متکی بر سه محور ویا مورد معامله مشتمل بر سه قسمت است.

قسمت اول که دفاع از امنیت داخلی و خارجی افغانستان بوسیله آمریکاست جنبه مشورتی پیدا کرده یعنی در صورت حمله کشور دیگری به افغانستان فقط آمریکا به افغانستان مشورت میدهد (مشروح در قسمت دوم این تحریر).^۲

قسمت دوم که کمک اقتصادی آمریکا به افغان است، آنهم موکول شده است که آمریکا جستجو کند تا ممری برای کمک به اقتصاد آمریکا پیدا کند. معلوم است کشوری که ۱۶ هزار میلیارد بدهی دارد مشمول چپراخی که به خانه رواست به مسجد حرام است میشود.

قسمت سوم آموزش نظامی سربازان افغان بوسیله آمریکائی هاست.

مثلی داریم که میگوید: <اول برادریت را ثابت کن و بعد ادعای ارث و میراث کن> چه دلیلی در دست است که آمریکائیا لیاقت و تجربه جنگی بیشتری از نظامیان افغانی دارند که ۳۰ سال است باخارجیان و تجاوزبه کشورشان میجنگند.

دلیل بارز، بر عدم لیاقت آمریکائی ها همین کافی است که با ۱۷۰ هزار سرباز ایساف (ISAF^۳) و پیشرفته ترین وسایل زمینی و هوایی و حمایت های جهانی و آزادی مطلق در عملیات و کشتار مظنونین ظرف ۱۰ سال نتوانسته اند از پس ۱۰ هزار طالبانی بر بیایند در حالیکه از نظر تجهیزات آمریکائیا صدها برابر بر طالبان برتری دارند، تنها تجربه جنگی است که طالبان نفس آمریکائیا را بریده است.

پس آمریکائی ها خدماتی را مورد معامله قرار داده اند (آموزش نیروهای نظامی افغان) که واقعیت و اصالت ندارد و فقط ادعاست، افسران و سربازان آمریکائی در هر کشوری که بود اند تجربه ای جز فساد و جنایت از خود باقی نگذاشته اند و سربازان کشورهای اشغال شده را بجای آموزش اصول سربازی به زشتترین فجایع آموزش داده اند.

در همین روزها که موضوع قرارداد امنیتی و آموزش نظامیان افغانی مطرح است و بسایت T M S تصاویری را منتشر کرده که تفنگداران آمریکائی در فلوچه عراق جسد سربازان عراق را در حال سوزاندن با مایعی نشان میدهد، رفتار آمریکائی ها در زندان ابو غریب نمونه دیگر است. دهها و بلکه صدها نمونه های زنده است که بیان کننده رذالت اخلاقی سربازان آمریکائی در کشورهای دیگر است.

این چنین آموزشهایی! چه نیاز است برای وطن پرستان افغانی که هم مصونیت قضائی به این جنایتکاران بدهند و هم اجازه دخول در خانه هایشان و هم ۹ پایگاه نظامی؟

عدم کنترل واردات و صادرات

در قرارداد امنیتی افغانستان بندی هست که بسیار با معناست میگوید دولت افغان حق بازرسی محموله هائی که بوسیله آمریکا و یا شرکت های کاری آمریکا وارد افغانستان میشود و یا از افغانستان خارج میشود نخواهند داشت.

^۲ - [http://1400years.org/AmirFeyz/TashabohTavafoghGeneveBaGhararDadAfghan\(2\)-AmirFeyz-11Jan2014.pdf](http://1400years.org/AmirFeyz/TashabohTavafoghGeneveBaGhararDadAfghan(2)-AmirFeyz-11Jan2014.pdf)

^۳ - International Security Assistance Force - ح-ک

در قسمتهای قبلی این تحریرازگزارش کرزای نقل شد که آمریکا سالیانه بین ۶۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار از تریاک افغانستان و مواد مخدره استفاده میکند و رقم بالای کشت تریاک بعلت بازاری است که آمریکا برای آن فراهم ساخته است. این چنین معامله ای نیاز به تسهیلات یعنی عدم کنترل محموله های هوایی را دارد خروج تریاک از افغانستان و عتیقه جات نمیتواند با کنترل دولت افغانستان ممکن شود.

در قرارداد امنیتی افغان آمده است: <آمریکا حق ندارد در خاک افغان انبارهای اتمی داشته باشد.>

دولت افغان که حق نظارت بر واردات هوایی وزمینی برکشورش را نخواهد داشت چگونه میتواند از اینکه آمریکا خاک افغانستان را به پایگاههای اتمی و اشغالهای اتمی تبدیل نکند مطمئن بشود.

آخرین تشابه

گرچه امر تشابهات در قرارداد امنیتی افغان و موافقت نامه ژنو محدود به مراتب ذکر شده در این تحریر نیست ولی به اقتضای پایان تحریر از آخرین تشابهی که همین یکی دوروز قبل مطرح شده یاد می شود بی جانیست.

خبرگزاری ها گفتند که سازمانی که در افغانستان مبارزه مدنی را دنبال میکند خواستار امضای کرزای و اجرای قرارداد امنیتی شده است، در خارج از کشور بخشی از ایرانیان که زیر شعار مبارزه مدنی و نافرمانی مدنی سنگر گرفته اند، و عینا سیاست و دستورات آمریکا را اجرا مینمایند، درست نظر سازمان مبارزه مدنی افغانها را نسبت به موافقتنامه ژنو دارند و کوچکترین اعتراضی به آن موافقتنامه و پی آمد های آن از آنها مشهود نیست.

آیا همه سازمان های مدنی سرپای یک کرباسند؟ - آینده خیلی زود نشان خواهد داد.